

## نقد شبهه ناعادلانه بودن دادرسی اطفال در ایران از نگاه حقوق بین الملل

محمد رضا قاسمی\*

### چکیده

امروزه حقوق بین الملل معتقد است که رسیدگی به جرایم اطفال باید عادلانه باشد و دادرسی عادلانه را در عدم مجازات اطفال تعریف می کند و معتقد است که اطفال تا ۱۸ سالگی هم می تواند مصون از مجازات باشد. با توجه به این مبنا، مجازات اطفال در حقوق ایران را تخطئه کرده و حکم به ناعادلانه بودن دادرسی کرده اند. حقوق جزایی ایران اولاً با توجه به لزوم تشکیل پرونده شخصیت متهم برای اعمال جهات تخفیف مجازات و ثانیاً با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ جرایم اطفال ۱۵ الی ۱۸ سال در دادرسی ویژه اطفال رسیدگی می شود و در مورد این افراد، مجازات بزرگسالان اعمال نمی شود بلکه در صورت ارتکاب شدیدترین جرم نیز طبق دادرسی عادلانه، به یک مقدار متناسب با روحیه طفل محکوم می شود. در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی علاوه بر پاسخ به شبهه ناعادلانه بودن دادرسی اطفال، روش صحیح و عادلانه دادرسی اطفال هم ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** اطفال، حقوق ایران، حقوق بین الملل، عادلانه، جرایم.

---

\*. سطح سه (کارشناسی ارشد) فقه و اصول حوزه علمیه قم؛ rezaghasemi944331380@gmail.com.

## مقدمه

رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، امروزه با گسترش ارتباطات و بزرگتر شدن جوامع، مسئله مورد توجه حاکمان کشورها است به گونه‌ای که هرکشوری تلاش می‌کند تا مطابق دادرسی عادلانه به جرایم ایشان رسیدگی کرده و با اقدامی سنجیده، جامعه خودش را از بیشتر شدن جرایم مصون نگاه دارد. به همین منظور بوده است که مجمع سازمان ملل متحد در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹ میلادی (دی ماه ۱۳۶۸ شمسی) در یک پیمان نامه‌ای حقوق کودک را از جمله اینکه طفل به چه گروه سنی اطلاق می‌شود و... به تصویب رسانید. دلیل برگزاری این مجامع و نشست‌ها و کرسی‌ها و... کاملاً واضح است؛ چراکه جوامع همه روزه درگیر جرایم اطفال هستند. در کنار همه این مسائل، فزونی فشارهای اقتصادی و فرهنگی و... و ابتلائات جامعه به مشکلات متعدد، جرایم را روزبه‌روز بیشتر می‌کند. برای مثال انسانی که به سن نوجوانی می‌رسد، دچار تغییر و تحول جسمی و روحی می‌شود و اگر نتواند این تغییر را کنترل کند، دچار بحران شده و ناخودآگاه دست به ارتکاب جنایت می‌زند.

اطفال بزهکار یکی از مخاطبان حقوق کیفری هستند که با ارتکاب رفتار مجرمانه برای اصلاح و تربیت وارد قلمرو حقوق کیفری می‌شوند تا به واسطه انجام اقدام‌های بازپرورانه اسباب بازگشت آنان به زندگی عادی اجتماعی فراهم گردد. اما آنچه در این میان اهمیت دارد اساساً تعریف دوره کودکی است؛ تعیین اینکه کدام دسته از شهروندان و تا چه محدوده سنی می‌توانند از تدابیر حمایتی برخوردار شوند. در خصوص تعریف طفل از گذشته تا امروز سیاست‌های مختلفی از سوی قانون‌گذاران کیفری اتخاذ شده است. به همین جهت برای تعیین یک چارچوب مشخص برای دوره طفولیت اسناد متعدد بین‌المللی به تصویب رسیده و نیز کشورها درصد اتخاذ رویکرد هماهنگ با یکدیگر بر آمدند این اقدام بین‌المللی دولت‌ها موجبات شکل‌گیری پدیده‌ای جدید را در قلمرو حقوق فراهم آورده که امروزه به جهانی شدن حقوق کیفری مرسوم شده است. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های جهانی شدن حقوق اطفال و خصوصاً تبیین مفهوم طفل است.

شبهه‌ای که درباره این موضوع وجود دارد این است که دادگاه‌های ایران با تمسک به

روش‌های خشن و متعصبانه، مجازات‌های غیرانسانی اعمال می‌کند و حقوق بشر- را زیر پا گذاشته است. حقوق اسلامی ایران ارزشی برای انسان قائل نیست و از هر فرصتی استفاده می‌کند تا اعدام کند، دست سارق را قطع کند، زناکار را اعدام کند و اختلاس‌گر را حبس ابد کند و... هشتک نه به اعدام و آزاد کردن زندانی‌ها و... همگی بخاطر این تصور غلط از آیین رسیدگی به جرایم در ایران مخصوصاً نسبت به اطفال است که با تبیین اصل قانون، همگی این تصورات از بین می‌رود و انسان حقیقت‌جو از این اتهامات واهی دست می‌کشد.

ضرورت مسئله از آن جهت است که همه روزه دادگاه‌های کشورهای مبتلا به جرایم اطفال هستند و با توجه به گسترش جرایم، رسیدگی عادلانه همراه با اقدامات تأمینی و تربیتی صحیح اطفال به‌منظور جلوگیری از جرایم بیشتر درآینده، اهمیتی حیاتی پیدا کرده است. علاوه بر جنبه شخصی، جنبه‌های اجتماعی و سیاسی و خانوادگی و فرهنگی هم به‌طور مستقیم تحت تأثیر جرایم اطفال قرار می‌گیرند و ضرورت حل مسئله را دوچندان می‌کند.

### تبیین مفهوم طفل

در مصباح المنیر آمده است: «فرزند صغیر انسان را کودک (طفل) نامند. این لفظ بر فرزند مذکر (پسر) و مؤنث (دختر) و نیز جمع آن‌ها (فرزندان) اطلاق می‌گردد و تا زمانی که به سن تمیز نرسیده است، او را طفل صغیر می‌نامند.» (فیومی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۷۴) کودک ممیز، این کلمه از ماده تمیز گرفته شده و به معنی جدایی اشیاء از یکدیگر است و در جایی به‌کار می‌رود که چند چیز با یکدیگر مشتبه شده باشند و فرد یا افرادی آن‌ها را مشخص و از یکدیگر جدا سازند. بنابراین کودک ممیز، کودکی است که می‌تواند سود و زیان خود را تشخیص دهد. در مصباح المنیر نقل شده است: «تمیز قوه‌ای است در مغز انسان که به او توانایی می‌دهد معانی و مفاهیم را از یکدیگر جدا ساخته و مشخص نماید.» در اصطلاح فقهی هم به فرزند انسان از زمان تولد تا ابتدای بلوغ، کودک اطلاق می‌شود. این تعبیر در بسیاری از مباحث به‌چشم می‌خورد. مثلاً در باب تبعیت طفل از والدین در حکم اسلام، در کلمات بعضی از فقیهان آمده است: «حکم طفلی که به سن بلوغ نرسیده

مطلقاً (پسر باشد و یا دختر) از جهت مسلمان یا کافر بودن، حکم والدین اوست و در احکامی مثل طهارت و نجاست، از آنها تبعیت می‌نماید. این مسئله بین فقها اجماعی است و روایات متواتر بر آن دلالت دارد» (طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۱۰۹). غیرممیز هم بر کودکی اطلاق می‌شود که به این حد از فهم نرسیده و قدرت تشخیص سود و زیان خود را ندارد. مانند کودکان شیرخوار و بچه‌های سه - چهار ساله (فیومی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۸۷).

قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان، مفهوم طفل و نوجوان را تعریف کرده است "اصطلاحات به‌کار رفته در این قانون، به شرح زیر تعریف می‌شود:  
الف) طفل: هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است.

ب) نوجوان: هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است".  
کودک در اصطلاح سازمان ملل متحد، به تمام اشخاصی که سن آنها کمتر از ۱۸ سال باشد صدق می‌کند. البته در مصوبه آنها آمده است که اگر در قانون داخلی کشورها سن کمتری ذکر شده باشد، همان ملاک خواهد بود. در حقوق فرانسه صغار را به زیر ۱۳ و بالای ۱۳ تا ۱۸ سال تقسیم می‌کند. درباره‌ی دوره‌ی زیر ۱۳ سال، اماره قاطع و مطلق عدم مسؤولیت وجود دارد. اما رویه‌ی قضایی دیوان کشور فرانسه عقیده دارد که باید درباره‌ی اطفال زیر ۱۳ سال، قائل به تفکیک شد؛ به این معنی که نباید همواره اماره به‌طور صریح و قاطع درباره‌ی این اطفال اعمال شود، بلکه باید به‌صورت موردی برخورد کنیم. بنابراین، اطفال زیر ۱۳ سال، به دو گروه تقسیم می‌شوند: کودکان در سنین بسیار پایین زیر ۱۳ که به آن، «کودکی طفولیت» می‌گویند. در خصوص سنین بسیار پایین، طبعاً اماره صریح عدم مسؤولیت وجود دارد. اما درباره‌ی گروه دیگر که بین ۷ تا ۱۳ سال دارند، اماره قاطع و صریح نیست و ممکن است مسؤول تلقی شوند؛ ولی با مسؤولیت خفیف.

در سیستم قضایی آلمان به افراد ۱۸ تا ۲۰ سال نیز مثل نوجوانان برخورد می‌شود؛ یعنی به‌طور کلی افراد زیر ۲۰ سال طفل محسوب می‌شوند و مقررات اطفال برایشان اجرا خواهد شد (کم، بهروز، ۱۳۹۸، ص ۱۲۵). با توجه به فرهنگ حقوقی معتبر آمریکا، طفل در حقوق آمریکا تعریف قطعی و دقیق ندارد و بیشتر افراد زیر ۱۴ سال را شامل می‌شود که گاهی شامل افراد زیر ۱۶ سال و زیر ۱۸ سال نیز می‌شود. با توجه به قانون خانواده ۱۹۹۶ و

۱۹۸۹ کودک عبارتست از شخصی که زیر ۱۸ سال سن دارد. در کتب حقوق جزا حتی افراد بالای چهارده سال؛ یعنی تا ۱۸ سال جزء صغار به حساب آمده‌اند و صغار را افرادی می‌دانند که در عقد قراردادها یا وصیت‌نامه‌ها فاقد اهلیت می‌باشند. اما هیچ محدودیت قانونی برای آنها جهت ارتکاب جرم وجود ندارد. در حال حاضر طفل ۱۰ تا ۱۴ سال در حقوق آمریکا صغیر می‌باشد، ولی فاقد مسئولیت کیفری نیست (عظیمی، ۱۴۰۱، شماره ۲۳).

### اصول دادرسی در حقوق ایران

دادرسی اطفال در ایران برگرفته از فقه شیعه، مبتنی بر چند اصل است:

(الف) اصل برائت: یعنی تا وقتی که جرمی ثابت نشده باشد، مجازات کردن خلاف شرع است؛ چراکه هیچ تکلیفی متوجه شخص نوجوان نیست.

(ب) برخورداری از وکیل: برای مثال اگر طفلی مرتکب جنایت سالب حیات شد، حتما باید وکیل داشته باشد. اگر نتواند وکیل اتخاذ کند، دادگاه طی نامه‌ای که به کانون وکلای می‌زند و یک وکیلی را برای رسیدگی به پرونده دعوت می‌کند، شخص متهم دارای وکیل خواهد بود تا بتواند از خودش دفاع کرده و از مجازات نجات پیدا کند.

(ج) اصل تشکیل پرونده شخصیت: اوراقی مربوط به مددکار اجتماعی و... درباره تشکیل پرونده شخصیت مطرح شده است.

(د) اصل شخصی بودن مجازات: یعنی حکم دادن بر علیه متهم، باید مطابق با شخصیت متهم باشد.

الگوی دادرسی اطفال در ایران، مبتنی با اصول حاکم بر دادرسی توسط شرع مقدس و نیز مبتنی با واقعیات جامعه و جلوگیری از تعدی و تجاوز به حقوق افراد جامعه است. دادگاه‌ها در ایران هر نوع تجاوز به حقوق دیگران را بدون اغماض محکوم کرده و مطابق قاعده لاضرر و لاضرار که یکی از قواعد مهم و پرکاربرد در قواعد فقهی شیعه محسوب می‌شود، حکم به نفع ذی حق می‌دهند. منتها نکته مهمی که در اینجا باید بدان توجه داده شود این است که مطابق اصل شخصی بودن مجازات، شخصیت متهم برای قاضی مهم است به‌گونه‌ای که اطفال ۶ تا ۱۲ سال هیچ‌گونه مسئولیتی ندارند لیکن اطفال ۱۲ تا ۱۸ سال مطابق ماده ۱۷ و ۱۸ قانون دادگاه اطفال، مجازاتشان متفاوت خواهد بود.

## ویژگی‌های روحی و جسمی اطفال

عوامل جسمی و روحی که باعث تغییرات رفتار و ویژگی‌های کودکان و بچه‌ها می‌شود به صورت زیر می‌باشد:

- رشد سریع: در این دوره، شاهد جهش رشدی در قد، وزن و مهارت‌های حرکتی کودکان هستیم

- تغییرات در هماهنگی و تعادل: کودکان در این سنین، توانایی و چابکی بیشتری پیدا می‌کنند و می‌توانند در فعالیت‌های ورزشی و حرکتی پیچیده‌تری شرکت کنند.

- رشد عضلات و استخوان‌ها: با افزایش فعالیت بدنی و تغذیه مناسب، عضلات و استخوان‌های کودکان قوی‌تر می‌شود.

- رشد عاطفی و اجتماعی (رشد استقلال، رشد احساسات و...).

در سنین نوجوانی، بلوغ جنسی و جسمی به سرعت رخ می‌دهد و از طرف دیگر انتظارات خانواده، فرهنگ و جامعه از نوجوانان برای دستیابی به استقلال بیشتر می‌شود. آنها در این سنین با همسالان و بزرگسالان ارتباط‌های جدیدی آغاز می‌کنند و برای زندگی شغلی و اجتماعی خود آماده می‌شوند و مهارت‌های لازم را کسب می‌کنند.

تمام نوجوانان جهان چهار تجربه تقریباً مشترک دارند که عبارت‌اند از: تغییراتی که همزمان به رشد سریع قد، وزن، قیافه ظاهری و نهایتاً بلوغ جنسی آنان منجر می‌شود. پذیرش و سازگاری با تمام این تغییر و تحولات یاد شده و همچنین دستیابی به یک هویت منسجم، تکلیف مسلم نوجوانان در این دوره است. از یک سو، روانشناسان در ارتباط با طول دوره نوجوانی اتفاق نظر کاملی ندارند از سوی دیگر، در دختران و پسران، جوامع مختلف و طبقات گوناگون اجتماعی از لحاظ زمان آغاز و پایان و مدت زمان این دوره تفاوت آشکاری دارند.

حقوق ایران با در نظر گرفتن اصول حقوق بین‌الملل و نیز با استفاده از تجربه دادرسی نظام حقوقی کشورها، اصول خاصی را در زمینه اجرای عدالت در دادرسی اطفال وضع کرده است. از جمله دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان و دادگاه اطفال و... که همگی به‌عنوان رسیدگی به جرایم اطفال وضع شده است (عبدی، الهام، رضانی، احمد، ۱۴۰۱، ص ۳۷۱۸).



تبصره ۱، ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌کند: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی رسیده باشد». گفتنی است که سن بلوغ شرعی که ملاک مسئولیت کیفری نیز به شمار می‌رود در متون کیفری تعیین نشده و تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ را این‌گونه تعیین کرده است: «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.» باید توجه داشت اگر چه تبصره ماده ۳۰۴، طفل را تعریف کرده اما صلاحیت دادگاه اطفال منحصر به جرایم افراد غیربالغ نمی‌شود بلکه به کلیه جرایم افراد بالغ زیر ۱۸ سال نیز مطابق ماده ۳۰۴، در دادگاه اطفال ولی طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود. افزودنی است ملاک صلاحیت دادگاه، سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم می‌باشد و نه در زمان رسیدگی یا صدور حکم. در رأی وحدت رویه شماره ۶۵۱، بر این امر تأکید کرده است که صلاحیت دادگاه اطفال در رسیدگی به جرایم اطفال عام است؛ یعنی شامل کلیه جرایم ارتكابی اطفال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون یا آرای وحدت رویه این صلاحیت تخصیص خورده باشد. بنابراین تمام جرایم اطفال غیربالغ فارغ از نوع جرم ارتكابی در صلاحیت دادگاه اطفال است. اما در مورد جرایم افراد بالغ زیر ۱۸ سال رأی وحدت شماره ۶۷۸، بیان می‌کند: «اگر شخص بالغ زیر ۱۸ سال جرمی را که به لحاظ مجازات در صلاحیت دادگاه کیفری استان است مرتکب شود به جرایم او در دادگاه کیفری استان رسیدگی می‌شود.» در همین جا متذکر می‌شویم که هنگام تعارض صلاحیت بین دادگاه اطفال با دادگاه استان، دادگاه استان مقدم است و در تعارض صلاحیت بین دادگاه اطفال با دادگاه انقلاب دادگاه اطفال مقدم می‌باشد. در مورد ماده ۳۰۴، باید توجه داشت که کلمه اختصاص به این معنا نیست که دادگاه اطفال دادگاه اختصاصی است. بنابراین در صورت اختلاف بین دادگاه اطفال یک حوزه با دادگاه عمومی حوزه دیگر اختلاف بین دادگاه اختصاصی و دادگاه عمومی نمی‌باشد؛ زیرا دادگاه اطفال شعبه‌ای از دادگاه عمومی است. ضمن اینکه صلاحیت بین دادگاه اطفال و سایر شعب صلاحیت ذاتی نیست تا قرار عدم صلاحیت صادر شود، بلکه یک تصمیم اداری است که دادگاه غیراطفال، با تصمیم اداری (یا نهایتاً قرار امتناع از رسیدگی) پرونده را جهت ارجاع به دادگاه اطفال نزد رئیس حوزه قضایی ارسال می‌کند. این نکته حائز اهمیت است که طبق ماده ۲۳۱، «اختصاصی بودن بعضی از شعب دادگاه‌های عمومی مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به

آن شعب نمی‌باشد.» پس این دادگاه‌ها می‌توانند مثلاً در برخی ساعات روز به جرایم اطفال و در برخی دیگر از ساعات همان روز به جرایم بزرگسالان رسیدگی کنند. صلاحیت‌های خاصی نیز برای قاضی این دادگاه‌ها پیش‌بینی نشده و حضور مشاور هم مورد توجه قرار نگرفته است.

### مقررات حاکم بر رسیدگی بزهکاری اطفال

در قانون آیین دادرسی کیفری در دادگاه‌های عمومی و انقلاب بر حسب اینکه فرد بزرگسال باشد یا طفل مقررات جداگانه‌ای پیش‌بینی شده است و اطفال در برخی زمینه‌ها تابع مقرراتی متمایز از مقررات مربوط به بزرگسالان می‌باشد.

#### ۱. مرجع تعقیب

پیش از احیای دادرسی ماده ۲۲۱، مقرر می‌داشت: «در جرایم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب یا تحقیق با رعایت مفاد ماده ۴۳، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ توسط دادرس یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق (دادرس علی‌البدل) انجام می‌گیرد.» با این وجود پس از تشکیل مجدد دادرسی در سال ۱۳۸۱ و واگذاری کلیه وظایف قضات تحقیق به دادرس، تبصره ۳، انجام تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال را به دادرس واگذار نمود و مقرر داشت «جرایم اطفال مستقیماً در دادگاه‌های مربوط مطرح می‌شود.» باید توجه داشت: اشخاص دارای سن ۱۵ تا ۱۸ سال طفل نیستند و ممنوعیت واگذاری تحقیق در جرایم اطفال به ضابطین به شرح مذکور در ماده ۳۱۵ شامل آنان نمی‌شود. مشروط برآنکه جرم ارتكابی از جرایم منافی عفت نباشد. همچنین جرایم مستوجب اعدام این گروه نیز پس از تحقیقات دادرس با کیفرخواست به دادگاه کیفری استان ارسال می‌شود (تبصره ماده ۳۱۵ مصوب ۱۳۹۲ آیین دادرسی کیفری).

#### ۲. لزوم حضور ولی یا سرپرست یا وکیل متهم

اصولاً برخورداری از وکیل، برای متهم حقی است که وی می‌تواند از آن استفاده کرده و یا شخصاً به دفاع از خود پردازد. تکلیف دادگاه به تعیین وکیل برای متهم که در این حالت وکیل مزبور وکیل تسخیری نامیده می‌شود، جنبه استثنائی داشته و منوط به تقاضای او و عدم توانایی مالی‌اش برای استخدام وکیل یا مطرح بودن اتهاماتی است که مجازات آنها در



صورت اثبات قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد باشد (ماده ۱۹۰ه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲). اما در مورد اطفال وضع به گونه ای دیگر است: «در هنگام رسیدگی به جرایم اطفال، دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید در دادگاه شخصاً حضور یابد یا برای او وکیل تعیین کند. چنانچه و سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل ننماید و خود نیز حضور نیابد دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد.»

### ۳.۱.۳ احضار طفل و اخذ تأمین

احضار طفل برای انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در هر مورد از طریق ولی یا سرپرست او به عمل می آید، در صورت عدم حضور برابر مقررات این قانون جلب خواهند شد. این امر مانع از احضار و جلب طفل توسط دادگاه نمی باشد. طبق این ماده احضار مستقیم طفل از ابتدا جایز نیست و در صورتی می توان وی را جداگانه احضار کرد که ابتدا احضار او از طریق ولی یا سرپرست طفل انجام شده ولی به نتیجه نرسیده باشد (زراعت، ۱۳۸۳، ص ۷۲۴). در صورت عدم معرفی طفل توسط ولی یا سرپرست ولی، بعد از احضار مستقیم طفل و در صورت عدم حضور جلب می شود. بنابراین جلب طفل نیز باید منحصراً مسبوق به احضار خود طفل باشد، نه احضار ولی یا سرپرست او در مورد اتهام های اطفال فقط سه قرار تأمین کیفری می توان صادر کرد:

- التزام ولی یا سرپرست قانونی طفل یا شخص دیگری به حاضر کردن طفل در مورد لزوم با تعیین وجه التزام.

- سپردن وثیقه مناسب از طرف ولی یا سرپرست طفل یا شخص دیگر.

- نگهداری موقت طفل به این ترتیب که در صورتی که نگهداری طفل برای انجام تحقیقات یا جلوگیری از تبانی نظر به اهمیت جرم ضرورت داشته باشد یا طفل ولی یا سرپرست نداشته یا ولی و سرپرست او حاضر به التزام یا دادن وثیقه نباشند و شخص دیگری هم التزام یا وثیقه ندهد. طفل متهم تا صدور رأی و اجرای آن در کانون اصلاح و تربیت و در صورت نبودن در محل مناسب دیگری نگهداری می شود. نکات قابل توجه در این ماده یکی استفاده از واژه «نگهداری» است به جای واژه «بازداشت». و دیگری نگهداری او در کانون اصلاح و تربیت است به جای «بازداشتگاه».

#### ۴. غیر علنی بودن رسیدگی

یکی از اصول مهم تضمین‌کننده یک دادرسی منصفانه در امر کیفری اصل علنی بودن دادرسی است که به دلیل اهمیت و جایگاه والای آن در قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است (اصل ۱۶۵). با این حال در مورد جرایم اطفال، به منظور جلوگیری از قرار گرفتن طفل در کانون توجه عموم، اصل مزبور اجرا نگردیده و خلاف آن مقرر شده است. ماده ۲۲۵، در این باره می‌گوید: «رسیدگی به جرایم اطفال علنی نخواهد بود.» در دادگاه فقط اولیاء و سرپرست قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت که دادگاه حضور آنان را لازم بداند حاضر خواهند شد. ماده ۲۲۶، نیز ماده قبلی را تکمیل کرده می‌گوید: «در صورتی که مصلحت طفل اقتضاء نماید رسیدگی در قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب متهم انجام خواهد گرفت و در هر حال رأی دادگاه حضوری محسوب می‌شود.»

#### ۵- تدابیر بعد از صدور حکم

اجرای حکم نگهداری طفل با کانون اصلاح و تربیت است و اگر در حوزه قضایی دادگاه کانون نباشد به تشخیص دادگاه در محل مناسب دیگری نگهداری می‌شود. همچنین قاعده فراق دادرسی و قاعده اعتبار امر مختومه در خصوص رسیدگی به جرایم اطفال دچار تحول مثبت شده و مطابق ماده ۲۲۹، مصوب ۱۳۷۸ «دادگاه رسیدگی‌کننده به جرایم اطفال حسب گزارش‌هایی که از وضع اطفال و تعلیم و تربیت آنان از کانون اصلاح و تربیت دریافت می‌کند می‌تواند در تصمیمات قبلی خود یک‌بار تجدیدنظر نماید، به این طریق که مدت نگهداری را تا یک چهارم تخفیف دهد.» گفتنی است منظور از «یک‌چهارم» این است که یک‌ربع از مجازات تخفیف داده شود، نه اینکه سه‌ربع آن کسر شود.

#### اصول دادرسی در حقوق بین الملل

##### ۱. بررسی رابطه حقوق بین‌الملل با حقوق داخلی کشورها

نظریه دوگانگی: بر اساس نظریه دوگانگی حقوقی، حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی دو نظام کاملاً متفاوت و مستقل هستند. زیرا تشکیلات جامعه بین‌المللی با جامعه داخلی متفاوت است. در جامعه بین‌المللی قوای سه‌گانه مقننه، قضائیه و مجریه وجود ندارد.

همچنین از لحاظ قلمرو قواعد حقوقی تفاوت‌هایی وجود دارد. قواعد حقوق بین‌الملل در جوامع و کشورهای مختلف و متعدد قابل اجرا است اما قواعد حقوق داخلی محدود به قلمرو کشور است. از حیث مبنا نیز حقوق داخلی، ناشی از اراده یک دولت است. درحالی‌که قواعد بین‌الملل ناشی از توافق دولت‌ها است. از دیگر تفاوت‌های حقوق داخلی و بین‌الملل این است که تابعین حقوق داخلی، اشخاص هستند اما در حقوق بین‌الملل به جز در برخی موارد که افراد تابع قواعد آن می‌شوند، اساسا دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی عمده‌ترین تابعین حقوق بین‌الملل به شمار می‌آیند. به لحاظ ضمانت اجرا نیز قوانین داخلی، ضمانت اجرا را توسط دستگاه‌های مختلف قضایی و اجرایی کشور کسب کرده‌اند ولی قوانین بین‌المللی فاقد ضمانت اجرا موثر هستند و از نظر اعتبار، قواعد حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل منوط به یکدیگر نیستند. قواعد حقوق داخلی حتی اگر در نظام بین‌المللی فاقد ارزش باشند، در داخل کشورهای مورد نظر معتبر و قابل اجرا هستند. (موسی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۱).

### نظریه یگانگی

معتقدین به این نظریه قواعد حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل را با یکدیگر مرتبط دانسته و آن‌ها را دو سیستم مجزا و مستقل می‌دانند. معتقدین به این نظر خود به دو گروه تقسیم می‌شوند. یک گروه، معتقد به یگانگی حقوق با تقدم حقوق بین‌الملل هستند و گروه دیگر معتقد به یگانگی با تقدم حقوق داخلی هستند. کسانی چون دوگی، پولیتس، ژرژ سل و کلسن معتقد به برتری حقوق بین‌الملل هستند؛ زیرا از نظر این گروه، حقوق داخلی تابع حقوق بین‌الملل است و قواعد آن باید منطبق با قواعد بین‌المللی باشد. بر اساس این نظر، تفاوتی بین اهداف قواعد حقوق داخلی و بین‌الملل وجود ندارد اما از آنجایی که قواعد بین‌المللی تنظیم‌کننده روابط کلیه اعضای جامعه بین‌المللی هستند، در نتیجه، منطقی است که قواعد مزبور بتواند بر هر یک از اعضا نیز حکومت کند. لذا همسویی قواعد حقوق داخلی با حقوق بین‌الملل کاملا ضروری است. دلیل دیگر این گروه، این است که مسئولیت تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که قواعد حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی مقدم شناخته شود.

چنانچه قواعد حقوق داخلی بر حقوق بین‌الملل برتری داشته باشند، نمی‌توان هیچ مسئولیتی بر دولت‌ها بار کرد؛ زیرا دولت‌ها می‌توانند با استناد به قوانینی که خود وضع می‌کنند، اعمال خود را توجیه کنند. گروهی نیز چون کوفمن و مارکس و نزل معتقد به برتری حقوق داخلی هستند؛ زیرا برتری حقوق بین‌الملل مغایر با حاکمیت ملی دولت‌ها است. از حیث تاریخی نیز حقوق داخلی بر حقوق بین‌الملل برتری دارد زیرا ابتدا کشورها به وجود آمدند و قواعدی مقرر شد و بعد جامعه بین‌المللی شکل گرفت. از حیث ساختار حقوقی نیز با توجه به این که امروزه با فقدان یک اقتدار و رکن فراکشوری در جامعه بین‌المللی مواجه هستیم، هر کشوری در قبول تعهدات بین‌المللی خود آزاد بوده و از اختیار کامل برخوردار است. از نظر منطقی نیز باید قبل از ایجاد روابط حقوقی و توسعه آن میان کشورها، وجود کشورها را بپذیریم. دلیل دیگر این گروه نیز این است که قانون اساسی است که مقامات صلاحیت دار را جهت انعقاد معاهدات بین‌المللی معین می‌کند و کشور را در جامعه بین‌المللی متعهد می‌سازد. عدم رعایت مقررات یاد شده به موجب عدم اعتبار معاهدات بین‌المللی است. (موسی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۲).

#### نظریه معاصر

نظریات یگانگی و دوگانگی حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی، نظر دولت‌ها را تأمین نمی‌کند، بنابراین در دوره معاصر، حقوق‌دانان راه سومی را پیشنهاد دادند. در این نظر، نظام داخلی بر بین‌الملل برتری ندارد و همچنین نظام بین‌الملل نیز بر نظام داخلی برتری ندارد، بلکه هر نظامی در حوزه خود، برتری دارد. به‌عنوان مثال، حقوق فرانسه بر انگلیس برتری ندارد اما آنچه ممکن است رخ دهد، تعارض تعهدات دولت‌ها است؛ یعنی دولت در حوزه داخلی خود بر طبق تعهدات بین‌المللی عمل نکند در این موارد، موضع داخلی تحت تأثیر حقوق بین‌الملل قرار نمی‌گیرد اما دولت در عملکرد خود یک قاعده حقوق بین‌الملل را نقض کرده است بنابراین باید از طریق بین‌المللی اقدام کرد. در سال ۱۸۹۹ اولین کنفرانس معروف به کنفرانس صلح در شهر لاهه شکل گرفت. در این کنفرانس کشورها توافق کردند، اولاً: دیوان دائم داوری تشکیل شود. ثانیاً: قوانین و عرف‌های جنگ زمینی تهیه و تنظیم شود و ثالثاً: عهدنامه ۱۸۶۴ ژنو شامل جنگ‌های دریایی شود. دومین کنفرانس لاهه در سال ۱۹۰۷ تشکیل شد که در نتیجه آن



تعداد زیادی از کشورها به بعضی معاهدات بین‌المللی که سابقاً منعقد بود، ملحق شدند. در فاصله معاهدات وستفالی تا جنگ جهانی اول خصوصیت عمده قواعد حقوق بین‌الملل این بود که این قواعد بازتاب تمدن غرب بود و دیگر این که این قواعد توسط کشورهای پایه‌گذاری شده بود که از طریق توسعه طلبی یا پیروزی‌های حاصله، صاحب امپراتوری‌های وسیع شده بودند. بعد از جنگ جهانی اول کنفرانس صلح در ۱۹۱۹ در پاریس شکل گرفت و پنج معاهده با کشورهای مغلوب امضا شد که به عهدنامه‌های صلح معروف شدند. در سال ۱۹۱۸ ویلسون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده بیانیه ۱۴ ماده‌ای خود را اعلام کرد. در سال ۱۹۱۷ پاپ نظریه تشکیل جامعه ملل را اعلام کرد. بعد از جنگ جهانی دوم، طرحی در دامبارتن اکس در ۱۹۴۴ ارائه شد و در آوریل ۱۹۴۵ در سان فرانسسکو یک کنفرانس بین‌المللی برای ایجاد سازمانی جدید شکل گرفت. بعد از تشکیل سازمان ملل جدید جامعه جهانی تحت تأثیر جنگ سرد بین بلوک شرق و غرب قرار گرفت. از دهه ۱۹۵۰ اقداماتی در جهت استعمارزدایی انجام شد. از سال ۱۹۴۸ با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، مباحث حقوق بشر مورد توجه قرار گرفت و در ادامه پیمان‌هایی نیز در خصوص انرژی هسته‌ای منعقد شد (موسی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۳).

## ۲. مهمترین ویژگی‌های حقوق بین‌الملل عبارتند از:

- الف) تحمیلی نبودن: حقوق بین‌الملل به دولت‌ها تحمیل نمی‌شود و در جامعه جهانی هیچ قانونگذار بین‌المللی وجود ندارد.
- ب) غیرمتمرکز بودن: نظام حقوق بین‌الملل غیرمتمرکز است و اساساً بر رضایت و توافق مشترک دولت‌ها مبتنی است.
- ج) تأثیرگذار بودن رویه دولت‌ها: اصولاً قواعد حقوق بین‌الملل یا از طریق رویه دولت‌ها (حقوق بین‌الملل عرفی) یا انعقاد موافقت‌نامه میان دولت‌ها شکل می‌گیرد.
- د) عدم وجود مکانیسم اجرایی مقتدر: حقوق بین‌الملل فاقد مکانیسم اجرایی مقتدری؛ چون پلیس بین‌الملل است.
- ه) اثرگذاری حاکمیت ملی دولت‌ها: حاکمیت ملی دولت‌ها ممکن است مانعی در سازش میان قواعد بین‌المللی و قواعد داخلی محسوب می‌شود (ساعدوکیل، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۲۰).

حقوق بین‌الملل، اغلب از طریق اطاعت داوطلبانه صورت می‌گیرد. علاوه بر آن ابزار دیگری نیز استفاده می‌شود مانند اعتراضات سیاسی، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی، مصالحه سیاسی، طرح مسئله در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌الملل و سرانجام استفاده از ابزار قهری مانند توسل به زور.

در رابطه بین حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی، حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی اقتدار دارد و دولت باید از حقوق بین‌الملل پیروی نماید (اباذری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۱۱).

در فرانسه طبق قانون جدید با عنوان قانون عدالت کیفری کودکان و نوجوانان مصوب ۲۰۲۱ میلادی با رعایت و ملاحظات بسیاری با اطفال بزهکار رفتار می‌کنند و تضمیناتی مناسب پیش‌بینی شده است.

مطابق این قانون، با سه تغییر اساسی مواجه هستیم: اول سن مسئولیت، دوم تدابیر تربیتی و سوم آیین دادرسی که شیوه رسیدگی به جرایم ایشان را بررسی می‌کند (ابراهیمی، ۱۴۰۲، ص ۱۶۸).

اصول حاکم بر دادرسی اطفال طبق قانون جدید فرانسه عبارت است از اصل تخفیف در مجازات ایشان، رعایت شخص مرتکب، رعایت مصلحت کودک، اولویت بخشی به تدابیر تربیتی (همان، ص ۱۷۶).

در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا، تا قبل از قرن ۲۰ میلادی، بین مجرمین نوجوان و بزرگسال اختلاف بسیار ناچیزی پذیرفته می‌شد، آنها در صورت ارتکاب جرم در دادگاه کیفری (دادگاه بزرگسالان) محاکمه می‌شدند، و مجازات‌هایی که بر مجرمین بزرگسال تحمیل می‌شد، برای آنها نیز قابل حمل بود. مجازات‌هایی نظیر تبعید، تنبیه بدنی و یا حتی اعدام. تلاش فعالین عرصه کودک موسوم به «نجات دهندگان اطفال» بالاخره در سال ۱۸۹۹ میلادی منجر به تصویب قانون دادگاه اطفال در ایالت ایلینویز شد، و بدین ترتیب اولین دادگاه اطفال در شهر بزرگ شیکاگو تشکیل شد. دادگاه‌های اطفال در نیمه قرن ۲۰ میلادی از مدل «اصلاح و تربیت» پیروی می‌کردند، سپس به مدل «عدالت سزا دهنده» روی آوردند. نهایتاً دادگاه مارالذکر از ابتدای قرن ۲۱ م به مدل «عدالت ترمیمی» روی آورد (غلامی، امین‌الله، مقاله تطبیقی دادرسی کیفری کودکان، ۱۳۹۹). در نظام کیفری آمریکا

نهادهای قضایی و غیرقضایی مورد استفاده در روند رسیدگی به جرایم اطفال دارای نهادها و اقدامات خاصی است که در نوع خود جالب می‌باشد از جمله اینکه اگر اطفال مرتکب جرم فدرال شوند امکان رسیدگی به پرونده آن‌ها در دادگاه فدرال وجود ندارد مگر اینکه دولت فدرال اجازه شروع رسیدگی را به صورت موردی تحت شرایط خاص صادر کند. مورد بعدی نیز حوزه قضایی دوگانه بزهکاری و افراد تحت قیمومیت است به شکلی که بر اساس نظام کیفری اطفال در این کشور چنانچه طفل مرتکب جرم شود، اگر دادگاه وی را بزهکار تشخیص دهد، نمی‌تواند وی را تحت قیمومیت قرار دهد.

در نظام حقوقی انگلستان، اطفال زیر ۱۸ سال با توجه به شرایط روحی ایشان مورد دادرسی قرار می‌گیرند. هدف دادگاه، پیشگیری از تکرار جرم توسط ایشان است. اطفال زیر ۱۰ سال طبق دادگاه انگلیس، ناتوان از ارتکاب جرم محسوب می‌شوند و هیچ مجازاتی متوجه ایشان نخواهد بود (عابد، معروفی، ۱۳۹۰، ص ۸۵). محاکمه این اطفال هم با توجه به شرایط روحی‌شان در دادگاه اطفال خواهد بود (همان، ص ۹۰).

در قانون آلمان تا ۱۴ سال مسئولیت کیفری ندارند و از ۱۴ تا ۱۸ سال سه دسته اقدامات وجود دارد که شامل: تادیبی (انضباطی)، تربیتی (دستورالعمل) و مجازات است (حجازی، طبرسی، ۱۴۰۱ق، ص ۵).

### عادلانه بودن دادرسی اطفال در ایران با رویکرد پاسخ شبهات

حقوق ماهوی و شکلی ایران، برگرفته از موازین عدالت محور اسلام است. اصول حاکم بر حقوق جزایی ایران، برگرفته از اصول متناسب واقع گرا و برای هدف پیشگیری از وقوع جرم است و این نکته در سراسر قوانین ایران به چشم می‌خورد و در عمل نیز این هدف تا حدود زیادی مطابق آمار رسمی کشور تحقق پیدا کرده است و شبهه بی‌فایده بودن مجازات‌ها و تحقق نیافتن پیشگیری از جرایم در قوانین ایران، شبهه‌ای بی‌اساس و خلاف واقع است.

توضیح اینکه: در نظام قضایی ایران، دادرسی عادلانه مستند به اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله اصول نوزدهم، بیستم، بیست و دوم، سی و دوم، سی و چهارم تا سی و نهم، یک صد و شصت و پنجم تا یک صد و شصت و نهم و برخی

قوانین و مقررات است و بر این اساس، مراجع قضایی مکلف‌اند اصولی چون علنی بودن محاکمات، قانونی بودن جرم و مجازات، تساوی همگان در برابر قانون و عدم هرگونه تبعیض ناروا، منع بازداشت خودسرانه، حق متهم بر تفهیم اتهام و محاکمه در اسرع وقت و دسترسی به وکیل، براءت، منع شکنجه برای اخذ اقرار، حق دادخواهی، استقلال و بی‌طرفی مرجع قضایی، برابری امکانات دفاع، تناظر و همچنین حمایت از حیثیت و کرامت ذاتی انسان و حفظ حرمت و مصونیت جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را در تمام فرآیند رسیدگی مقررات قانونی مربوط را رعایت نمایند.

حقوق کیفری ما نسبت به دادرسی اطفال و نوجوانان تدابیر ویژه‌ای تدارک دیده است که از آن می‌توان به‌عنوان یک دادرسی عادلانه و اصولی یاد کرد. بازه سنی اطفال در حقوق ما متشکل از ۹ تا ۱۲، ۱۲ تا ۱۵ و ۱۵ تا ۱۸ سال است که نسبت به هرکدام حکم خاص خودشان مطابق با شخصیت وی برخورد می‌شود.

در حقوق ایران در ماده ۲ قانون تشکیل اطفال بزهکار مصوب سال ۱۳۳۸، تصریح شده بود که قضات دادگاه اطفال باید از بین قضاتی انتخاب شوند که صلاحیت آنان برای این امر با رعایت سن و سوابق خدمت و جهات دیگر محرز باشد. اما با تصویب قانون اصلاح برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۶۱، متعاقباً قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۷۳ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۱، و همچنین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۸ که امر رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان را به دادگاه‌های عمومی جزایی محول نموده است، انتخاب قضات رسیدگی‌کننده به اتهامات اطفال و نوجوانان از شرایط ویژه‌ای تبعیت نمی‌کند و این، نقص دیگری در نظام قضایی ایران محسوب می‌شود. لیکن، به‌منظور رفع این نقص، به موجب ماده ۷ لایحه پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان به رئیس قوه قضائیه تکلیف شده است که قضات دادگاه‌های اطفال را از بین قضاتی انتصاب نماید که حداقل ۵ سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند و شایستگی آنان برای دادرسی اطفال از قبیل متأهل بودن و ترجیحاً داشتن فرزند و گذراندن دوره‌های خاص آموزشی محرز باشد.

در دادگاه اطفال و نوجوانان حضور مشاور الزامی است. ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی



کیفری (اصلاحی ۲۴/۰۳/۱۳۹۴): «دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود. نظر مشاور، مشورتی است. تبصره - در هر حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود.» در راستای اقدامات تربیتی و حمایتی از اطفال برای هر شعبه از دادگاه اطفال حداقل چهار نفر مرد و زن را از بین متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان‌شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان، اعم از شاغل یا بازنشسته، به مدت دو سال (انتخاب مجدد آنان بلامانع است) به‌عنوان مشاور دادگاه انتخاب می‌کند. در کنار دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل تشکیل آن شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و در صورت لزوم یک یا چند دادیار و بازپرس دایر می‌گردد تا تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال و نوجوانان را انجام دهد. لازم به ذکر است که انتشار جریان رسیدگی دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان، افشای هویت و مشخصات متهم به وسیله مطبوعات یا سایر رسانه‌های عمومی یا به هر روش دیگری ممنوع می‌باشد و متخلفین مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

با این رویکرد سختگیرانه نسبت به دادرسی اطفال، قطعاً می‌توان کشور ایران را یکی از کشورهای پیشرو در زمینه رعایت اصول دادرسی عادلانه با محوریت اسلام و نیز پایبندی به اصول دادرسی بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک، منشور سازمان ملل و حقوق بشر دانست.

#### آمار مقایسه‌ای ارتکاب جرم توسط نوجوانان

طبق گزارش پلیس آمریکا، ارتکاب جرایم توسط نوجوانان به شکل عجیبی بالا بوده است به‌گونه‌ای که میزان جنایات نوجوانان آمریکایی در سال ۱۹۹۳ سه هزار و ۸۰۰ مورد ثبت شده است؛ یعنی در حال حاضر از هر ۱۰۰ هزار نفر نوجوان آمریکایی، ۴ الی ۷ نفر متهم به قتل هستند و ۳۳۴ نفر متهم به جرایم خشونت‌بار هستند. آمریکا با داشتن بیش از ۲

میلیون زندانی در جهان رکورددار است و به‌عنوان کشور «عادت کرده به زندان» شناخته می‌شود. البته فقط بزرگسالان این جمعیت را شامل نمی‌شوند، آمریکا در قیاس با دیگر کشورهای جهان نوجوانان زیادی را زندانی می‌کند. آخرین گزارش سازمان ملل نشان داد که در سال ۲۰۲۰ میزان زندانی شدن نوجوانان در آمریکا ۱۱ برابر بیشتر از نرخ اروپای غربی، ۱۱ برابر بیشتر از آسیا، ۱۰ برابر بیشتر از اروپای شرقی، ۷ برابر بالاتر از اقیانوسیه، ۴ برابر بیشتر از کانادا و مکزیک و ۳ برابر بیشتر از آمریکای جنوبی است. این در حالی است که بازداشتگاه‌های نوجوانان آمریکا یا همان مراکز اصلاح و تربیت در این کشور مملو از روایت‌های وحشتناک آزار و سوءاستفاده جنسی هستند. موسسه تحقیقاتی گالوپ آخرین یافته‌های خود را از نظرسنجی سالانه جرم و جنایت آمریکا در تاریخ ۴ دسامبر ۲۰۲۳ (۱۳ آذر ۱۴۰۲) منتشر کرد. با توجه به افزایش آمار تیراندازی‌ها توسط افراد زیر ۱۸ سال به ویژه در مدارس ایالات متحده، این نظرسنجی نوع رفتار دادگاه را با این نوجوانان مورد بررسی قرار داده است.

افزایش ارتکاب تعرض و جرایم جنسی توسط پسران و دختران زیر سن قانونی در اسپانیا از جمله چندین تجاوز جنسی گروهی، نمونه‌ای دیگر از صحیح نبودن روند دادرسی اطفال در کشورهای مدعی است. از میان موارد قابل توجه، دختر ۱۱ ساله‌ای بود که در ماه نوامبر ۲۰۲۲ در یکی از سرویس‌های بهداشتی مرکز خریدی در نزدیکی بارسلون توسط گروهی از افراد زیر سن قانونی مورد تجاوز قرار گرفت. حداقل سن مسئولیت کیفری در اسپانیا ۱۴ سال است و در این مورد همه مهاجمین به استثنای دونفر از آن‌ها زیر ۱۴ سال سن داشتند و تنها یکی از آن‌ها که از دیگران بزرگ‌تر بود در حال حاضر در یک مرکز ویژه مجرمین زیر سن قانونی به سر می‌برد.

براساس آمارها، در سال ۲۰۲۲ بیش از ۵,۶ میلیون جرم در سراسر آلمان به ثبت رسید که نشان‌دهنده رشد همه انواع فعالیت‌های مجرمانه است. شمار جرایم خشن ثبت شده در آلمان نیز، هم در قیاس با سال ۲۰۲۱ و هم در قیاس با سال پیش از شیوع کرونا رشد داشته است. یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش جرایم در آلمان افزایش شدید فقر در چند سال گذشته و افزایش جمعیت جوانان اعلام شد. این امر به ویژه با سطوح بالاتر جرم و جنایت در میان



نوجوانان و جوانان مرتبط است. تعداد کودکان و نوجوانان مرتکب جرم در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ در آلمان ۱۶ درصد رشد داشته است. در عین حال، طبق گزارش «دویچه وله»، آمار جدید جرم و جنایت در آلمان نشان می‌دهد که جرم و جنایت در بین کودکان و جوانان این کشور افزایش یافته است، اما کارشناسان همچنان نسبت به کاهش سن مسئولیت کیفری تردید دارند. براساس آمار منتشر شده توسط اداره پلیس جنایی فدرال آلمان (BKA)، تعداد جرایم کودکان در آلمان در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال قبل یک سوم افزایش یافته است. بیشترین جرمی که کودکان و نوجوانان در آلمان مرتکب می‌شوند دزدی و پس از آن ضرب و جرح، آسیب رساندن به اموال و جرایم مربوط به مواد مخدر است. آمار جرم و جنایت در ایالت‌های مختلف آلمان که بیشتر منتشر شد، نیز نشان‌دهنده روند کلی افزایش جرم و جنایت در میان جوانان است.

آمار پرونده‌های جرایم نوجوانان در ایران در بُرهه‌های مختلف، متفاوت بوده است؛ در برخی مواقع روند صعودی و در برخی دیگر روند نزولی داشته است ولی به‌طور میانگین، وضعیت بهتری نسبت به کشورهای اروپایی دارد. به‌گونه‌ای که ورودی پرونده در مجتمع قضائی شهید فهمیده که به جرایم اطفال رسیدگی می‌کند، در برخی سال‌ها مثل سال ۱۳۹۷، کاهش ۵۰ درصدی داشته است که این نشان از بازدارندگی مجازات دارد.

با توجه به مقایسه آماری که امروزه به‌عنوان منبع اصلی برای اطلاع از وضعیت موجود است، معلوم می‌شود که دادرسی در ایران نتایج مناسبی داشته به‌گونه‌ای که نسبت به بسیاری کشورها باحجم جمعیتی موجود، موفق عمل کرده است، گرچه منکر این نیستیم که نقایصی بوده که در برخی مواقع منجر به افزایش جرایم شده لیکن حقوقدانان و پژوهشگران و نمایندگان حقوقی کشور، همیشه درصدد اصلاح قوانین سابق و وضع قانون جدید برای اصلاح هرچه بیشتر جامعه بوده‌اند. برای نمونه اصلاح قانون دادرسی اطفال که در سال ۱۳۹۹ توسط مجلس صورت گرفت.

## نتیجه گیری

الگوی دادرسی اطفال در ایران، مبتنی بر اصول حاکم بر دادرسی توسط شرع مقدس و نیز مبتنی با واقعیات جامعه و جلوگیری از تعدی و تجاوز به حقوق افراد جامعه است. دادگاه‌ها در ایران هر نوع تجاوز به حقوق دیگران را بدون اغماض محکوم کرده و مطابق قاعده لاضرر و لاضرار که یکی از قواعد مهم و پرکاربرد در قواعد فقهی شیعه محسوب می‌شود، حکم به نفع ذی حق می‌دهند. منتها نکته مهمی که در اینجا باید بدان توجه داده شود این است که مطابق اصل شخصی بودن مجازات، شخصیت متهم برای قاضی مهم است به‌گونه‌ای که اطفال ۶ تا ۱۲ سال هیچ‌گونه مسئولیتی ندارند. لیکن اطفال ۱۲ تا ۱۸ سال مطابق ماده ۱۷ و ۱۸ قانون دادگاه اطفال، جرمشان متفاوت خواهد بود.

درکنار اینها با توجه به بررسی آماری معتبر، رسیدگی قضایی در ایران موجب نزدیک‌تر شدن به عدالت و کرامت انسانی است و هر نوع اتهامی درباره ظلم و عدم رعایت حقوق بشر و... درباره دادگاه‌های اسلامی ایران، ادعایی بی‌اساس و خلاف تفکر اسلام و نیز واقعیات عینی جامعه است؛ چراکه قانون مجازات ایران و نیز روند رسیدگی در دادگاه‌ها، ضامن حفظ حقوق مردم است و در این باره تفاوتی بین آحاد مردم وجود ندارد. کودک یا بزرگسال هرکدام اگر مرتکب جرمی شوند و موجب خسارت جسمی و روحی به دیگری شوند، مجازات خواهند شد لیکن نوع مجازات هر کدام متفاوت است.

## فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابادی، منصور، ترمینولوژی حقوق نوین، [بی‌جا]: کیان، ۱۳۹۲.
۲. ابراهیمی، شهرام، مقاله تحولات حقوق کیفری اطفال در فرانسه، ۱۴۰۲ق.
۳. حجازی، مهلا، طبرسی، فاطمه حورا، مطالعه تطبیقی واکنش‌های کیفری در ایران و آلمان در برابر جرایم اطفال، نشریه قانون یار، شماره ۲۴، ۱۴۰۱ق.
۴. زراعت، عباس، آیین دادرسی کیفری در نظام کنونی، تهران: خط سوم، ۱۳۸۳.
۵. زمانی، سید قاسم، بهراملو مهناز، حقوق بین الملل، چاپ ششم، [بی‌جا]: شهردانش، ۱۳۹۶.
۶. ساعدوکیل، امیر، حقوق بین الملل عمومی، [بی‌جا]: نشر مجد، ۱۳۹۰.
۷. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، [بی‌جا]: [بی‌تا]، ۱۴۱۲ق.
۸. عابد، رسول، معروفی، مختار، فرایند دادرسی کیفری اطفال در نظام حقوقی انگلستان و ولز، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، ۱۳۹۰.
۹. عبدی، الهام، رضانی، احمد، مطالعه تطبیقی برخی نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران با حقوق آمریکا، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، شماره ۱۱، دوره ۵، ۱۴۰۱.
۱۰. عظیمی، مریم، حقوق و علوم جزا، نشریه فقه، سال هفتم، شماره ۲۳، ۱۴۰۱.
۱۱. غلامی، امین‌الله، مقاله تطبیقی دادرسی کیفری کودکان و نوجوانان بزهکار در نظام حقوقی ایران و آمریکا، سومین کنفرانس بین‌المللی علوم اسلامی، ۱۳۹۹.
۱۲. فیومی، احمد، مصباح المنیر، بیروت: المكتبة العلمية، ۱۴۲۸ق.
۱۳. کم، بهروز، هادی تبار، دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۸۵، بهار ۱۳۹۸.
۱۴. موسی‌زاده، رضا، بایسته حقوق بین الملل عمومی، چاپ ۲۵، [بی‌جا]: میزان، ۱۳۹۳.

